

آسیب‌شناسی مدارس از منظر عدالت آموزشی

فاطمه ابوالی^۱

^۱ دانشجوی دکتری، مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی

اداره آموزش و پرورش شهرستان گرمسار، آموزشگاه استقلال

Fatemeh.abvali98@gmail.com

۰۹۱۰۰۳۷۲۵۵۶

چکیده

نابرابری فرصت در زمینه آموزش کاهش نیافته است بلکه فرم‌های جدیدی از نابرابری آموزشی جایگزین نمونه‌های قدیمی آن شده است. کشور ما در زمینه برابری فرصت‌های آموزشی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. به همین منظور پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی مدارس از نظر عدالت آموزشی به روش مروری و با مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه صورت پذیرفت. نتایج نشان می‌دهد که دانش‌آموزان اگرچه از لحاظ کمی از خدمات آموزشی برخوردارند اما به جهت کیفیت با یکدیگر برابر نیستند. فلذا برای دستیابی به عدالت آموزشی ضروری است که دسترسی یکسان به آموزش در تمامی سطوح برای آحاد جامعه فراهم شود، کیفیت و محتوای آموزش مورد بازنگری قرار گیرد، کادر آموزشی و مدیران به خوبی تعلیم داده شوند و تمامی اقشار جامعه دسترسی قابل قبولی به آموزش داشته باشند.

واژگان کلیدی: عدالت آموزشی، مدارس، نظام آموزشی، نابرابری

۱- مقدمه

همه انسان‌ها در برخورداری از حقوق خویش با هم برابرند و هر چند که با یکدیگر متفاوت هستند لیکن حق دارند که شنیده شوند، به نظرانشان توجه شود و از فرصت‌های اجتماعی برابر بهره گیرند (سورجانتی و سوچوتو^۱، ۲۰۱۸). عدالت از شعارها و اهداف اجتماعی حاکم بر جوامع بشری و یکی از عوامل مؤثر در تحقق اهداف آموزش و پرورش است. آموزش به عنوان عدالت و ابزاری برای عدالت است (بالارین و میلیگان^۲، ۲۰۲۴). بنابراین یکی از جنبه‌های عدالت، عدالت آموزشی است و از آن جهت که به برابری فرصت در جامعه مرتبط است، اهمیت ویژه‌ای دارد (پاوی، اولیمپیو، هاش^۳، ۲۰۲۱). عدالت آموزشی عبارت است از ایجاد فرصت حضور در تربیت رسمی برای آحاد جامعه صرف نظر از ویژگی‌های فرهنگی، قومی، نژادی، دینی و اقتصادی؛ ارائه تربیت عمومی و رسمی با کیفیت قابل قبول؛ توجه تربیت عمومی و رسمی به تفاوت‌های یادگیرندگان در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی؛ تنوع بخشیدن به فرصت‌های تربیتی متناسب با استعدادهای مختلف یادگیرندگان و توجه هماهنگ و متعادل به همه ساحت‌های تربیت (صادق‌زاده، حسنی، کشاورز، احمدی، ۱۳۸۸). عدالت آموزشی برابر با مساوات نیست بلکه به معنای توزیع منابع و فرصت‌های آموزشی متناسب با نیاز هر شخص می‌باشد. عدالت آموزشی به مهیا سازی فرصت‌های برابر متناسب با نیازهای ویژه هر فرد اشاره دارد زیرا افراد در دانش، مهارت، توانایی، انواع یادگیری، پیشینه فرهنگی و نیازهای آموزشی با یکدیگر متفاوت هستند. منظور از فرصت برابر، حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد و وضعیت اقتصادی است (مرزوقی، حیدری، حیدری، ۱۳۹۲). وقتی عدالت آموزشی در یک نظام آموزشی حاکم باشد، فرهنگ آن جامعه هماهنگ و پایدار خواهد بود و در راستای آن توسعه فکری، اقتصادی، سیاسی و آموزشی ایجاد به دست خواهد آمد. عدالت آموزشی می‌تواند آموزش را در تمام حوزه‌ها متحول نماید و زمینه بروز استعدادهای توانمندی‌ها را در سطح کلان فراهم آورد (بیچ^۴، ۲۰۱۸). برقراری عدالت آموزشی در محیط‌های یاددهی و یادگیری موجبات انصاف و برابری در آموزش و امکانات، دسترسی به محیط‌های آموزشی و انگیزه و امید به تحصیل را فراهم می‌آورد (رضوانی، پریش، کاظم، ۱۳۹۹). از سوی دیگر احساس فقدان عدالت آموزشی و ضایع شدن حقوق دانش‌آموزان موجب بروز ترس، تردید، استرس و ایجاد نگرش منفی به تحصیل می‌شود و خودباوری دانش‌آموزان را زیر سؤال می‌برد (تامپسون^۵، ۲۰۱۶).

برخی عدالت آموزشی را به عدالت افقی و عدالت عمودی تقسیم کرده‌اند؛ عدالت افقی در آموزش یعنی تعداد صندلی، کلاس، معلم و سایر امکانات آموزشی که هم شهر و هم روستا باید به نسبت جمعیت داشته باشند اما عدالت عمودی تفاوت‌ها را لحاظ می‌کند و به نسبت فقر آموزشی، روی روستاها بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کند (رنانی، ۱۳۹۴). عدالت عمودی اشاره به رفتار برابر با نابرابرها دارد. در این نوع عدالت تلاش می‌شود تا برای هر دانش‌آموز مطابق نیاز و شرایط او، خدمات و منابع آموزشی فراهم شود (کاپاتانو^۶، ۲۰۱۷). مسعودی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رویکردهای عدالت آموزشی» شش رویکرد آرمان‌گرا، لیبرالی، مارکسیستی، فمینیستی، پست‌مدرنیستی و اگزیستانسی را ارائه نمود. اسلامی‌هرندی، کریمی و نادری (۱۳۹۸) در پژوهش خود با موضوع «شناسایی مؤلفه‌های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران» نشان دادند که عدالت آموزشی شامل سه مضمون فراگیر با عنوان بستر سازی عادلانه توزیع منابع، بهره‌مندی عادلانه از منابع و شایسته‌پروری و ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده شامل مشارکت جمعی، همه‌جانبه‌نگری برنامه درسی، تصمیم‌سازی عادلانه، شایسته‌سالاری، پوشش دادن همه مخاطبان، بهسازی مدارس، مدیریت بهینه منابع مالی، توجه به وضعیت بهداشت یادگیرندگان، توانمندسازی یادگیرندگان، ارتقای کیفیت آموزش، بهبود فرآیند ارزشیابی، تعامل منصفانه و ۸۲ مضمون پایه است. یمنی، شاطر جلالی و اقبالی (۲۰۱۷) نیز

¹ Surjanti & Soejoto

² Balarin & Milligan

³ Pavie & Olympio & Hache

⁴ Beach

⁵ Thompson

⁶ Capatano

سه مضمون اصلی برای عدالت آموزشی شامل آموزش عادلانه (دارای چهار بعد)، پژوهش عادلانه (شامل دو بعد) و مدیریت عادلانه منابع (دارای دو بعد) مطرح کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که ابعاد برنامه درسی مؤثر، پرورش فراگیر، رفتار عادلانه اساتید به ترتیب از مضامین آموزش عادلانه و پژوهش عادلانه و مدیریت عادلانه منابع اهمیت زیادی در عدالت آموزشی دارند.

۲- بحث اصلی

عدالت آموزشی تنها به معنای دسترسی عمومی به آموزش نیست. عدالت آموزشی کمی حکم می‌کند که کلیه افراد واجد شرایط در شهرها و روستاها به تحصیلات ابتدایی و متوسطه دسترسی رایگان داشته باشند و عدالت آموزشی کیفی بر آن است که مفاد آموزشی، شیوه زندگی مسئولانه در جامعه را به دانش‌آموزان بیاموزد و کنجکاوی لازم برای یادگیری را در آنها بیوراند. فلذا عدالت آموزشی یک چالش بزرگ جهانی محسوب می‌شود. در اکثر کشورهای توسعه‌نیافته، بسیاری از دانش‌آموزان به آموزش دسترسی ندارند و در اکثر کشورهای پیشرفته، تحصیل و موفقیت هنوز تا حد زیادی به پیشینه اجتماعی دانش‌آموزان بستگی دارد (بسی، ۲۰۱۶). در همین راستا قاسمی اردهایی، حیدرآبادی و رستمی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بیشترین نابرابری فرصت‌های آموزشی در مدرسه است و مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر میزان نابرابری فرصت‌های آموزشی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد؛ در حالی که حساسیت والدین و مهارت‌های ارتباطی نیز بر نابرابری فرصت‌های آموزشی تأثیر دارد. پژوهش ایشوچی^۷ (۲۰۱۴) نیز نشان داد کودکانی که موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی بهتری دارند، فرصت‌های آموزشی و پیشرفت بیشتری دارند. با وجود این که بند ۳ از فصل پنجم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) به گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی تأکید دارد و بسط و گسترش آن را یکی از راهبردهای اصلی تحول بر می‌شمارد اما متأسفانه این امر آن گونه که می‌بایست، تحقق نیافته است. در کشور ما نیز کیفیت آموزشی مطلوب در اختیار عده‌ای خاص است و دیگر افراد جامعه از آن محروم هستند. آموزش رده‌بندی شده در قالب مدارس دولتی، غیرانتفاعی و ... بسته‌های آموزشی متفاوتی را با کیفیت‌های نابرابر در اختیار اقشار مختلف جامعه قرار می‌دهد و همین امر موجبات بی‌عدالتی آموزشی را فراهم کرده است (هاشم‌خانی و وکیل؛ به نقل از قانع‌راد و هادی زنون، ۱۳۹۴). در حالی که هدف اصلی عدالت آموزشی، توانمندسازی دانش‌آموزان آسیب‌پذیر و محروم از آموزش است (تامپسون، ۲۰۱۳). در همین راستا کلوانی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی وضعیت عدالت آموزشی در مدارس ابتدایی شهرستان خوی از دیدگاه دبیران این دوره در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰» نشان داد که شهرستان خوی از نظر عدالت آموزشی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. قنبریان بادی (۱۳۹۸) نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «سنجش میزان عدالت آموزشی در مدارس شهرستان کاشان و عوامل مؤثر بر آن در دهه چهارم انقلاب اسلامی» به این نتیجه رسید که تفاوت معناداری در احساس عدالت میان دانش‌آموزان وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش شیرکرمی و بختیارپور (۱۳۹۳) با موضوع «ارزایی نابرابری‌ها در دستیابی به فرصت‌های آموزشی: با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰» حاکی از آن بود که بین مناطق و نواحی مختلف (اعم از شهر یا روستا) شهرستان دهلران از حیث بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی، تعادل مناسبی برقرار نیست. نتایج تحصیلی محصول مشترک مدرسه و دانش‌آموز است و کیفیت مدارس عادی دولتی که قریب به ۸۰ درصد دانش‌آموزان کشور در آن تحصیل می‌کنند، متناسب با افزایش نقش آنها نیست. شکاف عمیق بین مدارس عادی دولتی و مدارس خاص و غیردولتی منجر به رونق شهریه‌ای شدن تحصیل در آموزش و پرورش و حذف دانش‌آموزان مدارس عادی خواهد شد که برخلاف عدالت آموزشی بوده و تطابقی با اصل ۳۰ قانون اساسی ندارد. سیاست‌گذاری و اجرای سیاست در اختصاص نیروی انسانی به مناطق محروم و مدارس دولتی عادی مناسب نیست. سیاست نانوخته این است که مناطق آموزشی بر روی مدارس دولتی شاهد، سمپاد و هیئت‌امانی بیشتر از مدارس دولتی عادی سرمایه‌گذاری می‌کنند و معلمان مجرب‌تر را به این نوع مدارس تخصیص

⁷ Bassey

⁸ Eshuchi

می‌دهند؛ چرا که هدف، نمود بیشتر دانش آموزان این مدارس و برجسته‌سازی عملکرد منطقه است. در یک نگاه کلی، مدارس دولتی خاص و مدارس غیردولتی معلمان توانمندتری را جذب می‌کنند زیرا روش جذب و پرداخت متفاوت‌تری به معلمان دارند و امکانات آموزشی و رفاهی بیشتری را فراهم می‌کنند و نیروها نیز همکاری بیشتری با این نوع مدارس نشان می‌دهند (جعفری، ۱۴۰۳). آموزش‌هایی که روی تقویت حافظه و ارتقای محاسبه‌گری انسان متمرکز می‌شوند و جنبه انسانی ذهن او را نادیده می‌گیرند، بی‌عدالتی را ترویج می‌کنند. نظام آموزشی ما حافظه را تقویت می‌کند اما هوش اجتماعی به معنای آموزش توانایی زیست انسانی را رها کرده است. هدف نظام آموزشی ما دانشمندسازی جوانان است نه توانمندسازی آنها؛ در حالی که نظام آموزشی عادلانه هم دانشمندسازی می‌کند و هم توانمندسازی. از این منظر نظام آموزشی ما یک نظام ناعادلانه است؛ چرا که تقریباً همه منابع و امکانات خود را بسط و کاربرد بهتر هوش منطقی افراد به کار گرفته است و سهم برنامه‌های معطوف به ارتقای هوش اجتماعی در آن بسیار پایین است.

به طور کلی عدالت آموزشی به معنای حرکت از نظام آموزشی حافظه‌محور به سوی نظام آموزشی رابطه‌محور، عبور از نظام آموزشی دانش‌محور به نظام آموزشی انسان‌محور، دستیابی به عدالت عمودی پس از عدالت افقی، تحول از نظام آموزشی مدرسه‌محور به نظام آموزشی جامعه‌محور، اهتمام به توانمندسازی؛ نه دانشمندسازی و اهتمام به آموزش اندیشیدن؛ نه آموزش اندیشه‌ها است. (رنانی، ۱۳۹۴). عدالت در محیط‌های آموزشی زمانی تحقق می‌یابد که یادگیرندگان از طریق دروندادها و فرایندها در مدارس بتوانند اهداف علمی، اعتقادی، اجتماعی و آموزشی را کسب کنند (یمینی و همکاران، ۲۰۱۷). از وظایف آموزش و پرورش این است که دانش آموزان را با عدالت آشنا کند و با برنامه‌ریزی و عملکرد عادلانه، عدالت آموزشی را نهادینه کند و زمینه را برای تحقق عدالت اجتماعی فراهم نماید. اگر دانش آموزان مطابق با نیازها و شرایط خود در رشته‌های مورد علاقه تحصیل کنند و مهارت‌های فردی، اجتماعی و شغلی را در مدارس بیاموزند و متناسب با بازار کار آموزش ببینند، عدالت را در آموزشگاه تجربه می‌کنند و به دنبال آن عدالت اجتماعی در جامعه نیز افزایش پیدا می‌کند. زمانی که ارزشیابی از فعالیت‌های آموزشی، پرورشی و انضباطی دانش آموزان و ارائه امتیاز به آنها عادلانه و منصفانه صورت گیرد، فرصت یکسانی برای همه جهت رشد توانایی‌های خود ایجاد می‌شود و در نتیجه عدالت آموزشی در ارزشیابی‌ها نیز قابل مشاهده است (اسلامی هرنندی و همکاران، ۱۳۹۸). شیرکرمی و بختیارپور (۱۳۹۳) راهکارهای زیر را برای کاهش نابرابری فرصت‌های آموزشی ارائه کرده‌اند:

- ۱- توزیع عادلانه امکانات و فضاهای آموزشی بین مناطق مختلف بر اساس ملاک محرومیت
- ۲- تخصیص اعتبارات بیشتر به منظور احداث، تعمیر، گسترش و تجهیز مدارس به امکانات رفاهی و بهداشتی مناسب؛ خصوصاً در مناطق محروم
- ۳- توزیع معلمان متخصص و آموزش‌دیده متناسب با سهم جمعیتی کودکان لازم‌التعلیم در نواحی مختلف
- ۴- بهبود کیفی آموزش از طریق بازآموزی معلمان کم‌تجربه
- ۵- ارتقای علمی معلمان و حتی الامکان عدم به کارگیری سرباز معلم در مناطق روستایی
- ۶- ارائه برنامه‌های فرهنگی جهت جلب توجه والدین کودکان مناطق روستایی به اهمیت آموزش و پرورش
- ۷- گسترش آموزش پیش‌دبستانی و دوره‌های آمادگی برای نوآموزان مناطق دو زبانه و روستایی
- ۸- حذف تدریجی کلاس‌های چندپایه در نواحی روستایی

۳- نتیجه‌گیری

نهاد تعلیم و تربیت مسئول پرورش انسان‌های عدالت‌محور و تداوم‌بخش جامعه عادلانه است (انصاری و رجبی، ۱۳۹۵). آموزش و پرورش با کیفیت از ابتدای دوران کودکی به عنوان مؤثرترین عامل تحقق حداکثری عدالت در جوامع بشری محسوب می‌شود (رستم، ۱۴۰۰). در

کشور ما نیز مسأله عدالت آموزشی از جمله ایده‌هایی است که در سند تحول نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰ به آن پرداخته شده است اما این که سند آرمان‌گرایانه به چه میزان پاسخگوی نیازها و استعدادهای دانش‌آموزان است، چقدر به هویت ملی و قومی توجه دارد و آیا توانسته است تناسبی میان تحولات اجتماعی و نقش‌های جنسیتی مورد انتظار برای دختران و پسران ایجاد نماید، نیازمند تأمل بیشتر در این سند است. عدالت آموزشی حلقه‌ای حیاتی برای جبران نابرابری در همه جوامع است. مفهوم عدالت آموزشی بسیار فراتر از صرف دسترسی به نیمکت‌های مدرسه است. عدالت آموزشی می‌خواهد شتاببخش آلام کودکان محروم باشد، استعدادهای سرکوب‌شده و نهفته را بکاود، و دانش‌آموز محروم را در مسیر عادی جریان زندگی قرار دهد. این امر مستلزم دگرگونی‌های اساسی و سرمایه‌گذاری‌های کلان در آموزش و پرورش است. اگر منظور از عدالت آموزشی را برابری فرصت‌های آموزشی و افزایش دسترسی عموم جامعه به آموزش و پرورش بدانیم، توجه به آموزش در مناطق روستایی غیربرخوردار، ایجاد انگیزه در معلمان برای خدمت در مناطق محروم و بهبود کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با انتظارات بازار کار از گام‌های اساسی این حوزه به شمار می‌رود. افزایش سرانه دانش‌آموزان مناطق محروم و فراهم آوردن وسایل نقلیه ایمن برای رفت‌وآمد دانش‌آموزان در جهت بهبود عدالت آموزشی مؤثر است. می‌توان آن بخش از عدالت آموزشی را که به برابری فرصت‌های آموزشی و افزایش دسترسی عموم جامعه به آموزش و پرورش توجه دارد، با راهبردهای زیر تقویت نمود: استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و گسترش آن به مناطق روستایی غیربرخوردار؛ تأسیس و گسترش انجمن‌های خیرین مدرسه‌ساز در مناطق محروم و توزیع متناسب معلمان ماهر در مناطق مختلف کشور؛ اولویت دادن به تربیت نیروی انسانی بومی و ایجاد انگیزه در معلمان برای خدمت در مناطق محروم؛ گسترش و تجهیز مدارس شبانه‌روزی در مناطق غیربرخوردار و حمایت مالی از خانواده‌های دانش‌آموزان این مناطق؛ بهبود کیفیت آموزشی فنی و حرفه‌ای متناسب با انتظارات بازار کار، فرهنگ‌سازی در مناطق محروم در خصوص آموزش دختران (هاشم‌خانی و وکیل؛ به نقل از کمیجانی و دولت‌آبادی، ۱۳۹۴).

منابع

- اسلامی هرنندی، فاطمه، کریمی، فریبا، نادی، محمدعلی. (۱۳۹۸). شناسایی مؤلفه‌های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران. پژوهش در نظام‌های آموزشی. ۱۳ (۴۷)، ۷۵-۵۵.
- انصاری، مریم، رجبی، معصومه. (۱۳۹۵). تحلیلی بر مؤلفه‌های عدالت آموزشی از نظر جان راولز. هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. دانشگاه شیراز.
- جعفری، سکینه. (۱۴۰۳). شناسایی چالش‌های مدارس عادی دولتی در راستای عدالت آموزشی و تربیتی. پژوهش در نظام‌های آموزشی. ۱۸ (۶۵)، ۵۷-۷۱.
- رستما، صدیقه. (۱۴۰۰). عدالت آموزشی از نظر تا عمل. رشد آموزش پیش‌دبستانی. شماره ۴۵، ۴۲-۴۰.
- رضوانی، امین، پریش، فریدون، کاظم، شبنم. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل ایجاد عدالت آموزشی در محیط‌های یاددهی و یادگیری و موانع گسترش آن (ارائه یک چارچوب در آموزش و پرورش). پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری. ۵ (۵۳)، ۳۸-۲۵.
- رنانی، محسن. (۱۳۹۴). سرمقاله ویژه‌نامه اقتصادی شرق.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). تهران: انتشارات وزارت آموزش و پرورش
- شیرکرمی، جواد، بختیارپور، سعید. (۱۳۹۳). ارزیابی نابرابری‌ها در دستیابی به فرصت‌های آموزشی: با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱. آموزش و ارزشیابی. ۷ (۲۶)، ۵۸-۴۱.
- صادق‌زاده، علیرضا، حسنی، محمد، کشاورز، سوسن، احمدی، آمنه. (۱۳۸۸). رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، بسته سند ملی نظام تربیت رسمی و عمومی؛ گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- قاسمی اردهایی، علی، حیدرآبادی، ابوالقاسم، رستمی، نیر. (۱۳۹۰). زمینه‌های خانوادگی نابرابری فرصت‌های آموزشی: مطالعه موردی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر. جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. ۱ (۱)، ۱۴۷-۱۲۵.
- قنبریان بادی، علیرضا. (۱۳۹۸). سنجش میزان عدالت آموزشی در مدارس شهرستان کاشان و عوامل مؤثر بر آن در دهه چهارم انقلاب اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- کلوانی، رعنا. (۱۴۰۱). بررسی وضعیت عدالت آموزشی در مدارس ابتدایی شهرستان خوی از دیدگاه دبیران این دوره در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور مرکز خوی.
- مرزوقی، رحمت‌اله، حیدری، معصومه، حیدری، الهام. (۱۳۹۲). بررسی رابطه عدالت آموزشی با فرسودگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. گام‌های توسعه در آموزش پزشکی. ۱۰ (۳)، ۲۱۶-۲۱۰.
- مسعودی، شکوفه. (۱۳۹۳). بررسی رویکردهای عدالت آموزشی. ویژه‌نامه پانزدهمین همایش آموزش علوم پزشکی. ۹ (۱۳).
- هاشم‌خانی، میثم، وکیل، زهرا. (۱۳۹۴). ۱۱۴ روایت از «توسعه و عدالت آموزشی کودکان». تهران: انتشارات ترمه.
- Balarin, M., & Milligan, L. O. Education as justice: articulating the epistemic core of education to enable just futures. *Global Social Challenges Journal*, 1, 2024, pp.1- 17.
- Bassey, M. O. Culturally responsive teaching: Implications for educational justice. *Education Sciences*, 6 (4), 2016, pp. 35.
- Beach, D. A Meta-ethnography of Research on Education Justice and Inclusion in Sweden with a Focus on Territorially Stigmatised Areas. In *Structural Injustices in Swedish Education*. Palgrave Macmillan, Cham, 2018, pp. 197-233.
- Capatano, J. The challenges of equity in public education, 2017.
- Eshuchi, J. C. A. The Millennium Development Goals and educational justice: a critical realist analysis of capability deprivation in Kenyan education policy, 2014.

- Pavie, A., Olympio, N., & Hache, C. Social justice in priority education: conceptions and operationalisations in the context of a scheme to promote excellence. *Education et societies*, 46(2), 2021, pp. 111-127.
- Surjanti, J., & Soejoto, A. The Impact of Procedural Justice (PJ), Distributive Justice (DJ) and Ethical Climate (EC) on Continuous Professional Development (CPD): The Role of Work-Related Stress (WRS) Mediation. *Journal of Entrepreneurship Education*, 21 (1), 2018, pp. 1-9.
- Thompson, R. P. A Rawlsian instrument for the evaluation of justice in educational policy documents (Doctoral dissertation, Clemson University), 2013.
- Thompson, W. Rethinking discussions of justice in educational research: Formative justice, educational liberalism, and beyond. *Teachers College Record*, 118 (10), 2016, pp. 1-16.
- Yamani, N. & Shaterjalali, M. & Eghbali, B. Educational justice from the perspective of postgraduate students in a medical school in Iran: qualitative study. *Research and Development in medical Education (RDME)*, 6(1), 2017, pp. 23-28.